

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خانم سروی (استاد داور):

باعرض سلام خدمت حضار عزیز. یکی از مسائل مهم جامعه و جهان اسلام و موردی که بطور خاص حوزویان باید بر آن اشراف داشته باشند و درک کنند و درصدد بیان و رفع شبهات پیرامون آن باشند، بحث اعلان برائت و اندیشه‌ی تقریب مذاهب است. در این کرسی آزاداندیشی در خدمت خانم دکتر دیالمه و خانم دکتر عبودیت هستیم که انشاءالله بحث را پیش خواهند برد. انشاءالله این کرسی فرجامی نیک داشته باشد و مورد رضایت امام زمان عجل الله قرار بگیرد. بحث اساتید تا ساعت دوازده خواهد بود و بعد از آن زمانی را برای بیان سوالات حضار گرامی در نظر خواهیم گرفت پس در خلال بحث اساتید سوالی مطرح نشود و سوالات را یادداشت کنید و بعد از بحث مطرح کنید.

کلیدواژه های بحث، تولی و تبری هست که از فروع دین به شمار می رود و در فرهنگ شیعه جایگاه خاصی دارد. تولی: دوست داشتن خدا و دین خدا و یاری کنندگان دین معنا شده؛ تبری: دوست نداشتن و دشمنی کردن و بیزاری جستن نسبت به عقاید و کردار دشمنان دین خدا معنا شده است. ایمان واقعی طبق فرمایشات اهل بیت علیهم السلام و آیات قرآن، حب و بغضی است که معیارش رضای خدا باشد. حال آیا برائت با وحدت و تقریب نفیض هم هستند یا می توان بین این دو جمع کرد.

خانم دکتر عبودیت (استاد منتقد):

برائت محور بحث امروز است بنابراین ابتدا مبانی برائت را توضیح می دهیم. (برء) سه حرف اصلی کلمه برائت است که از نظر لغوی به معنای انفصال و جدایی است. انفصال چیزی از چیز دیگر. تبری در اصطلاح: ما مسلمانان از دشمنان دین انفصال داشته باشیم. مفهوم تبری در آیات و روایات مورد تاکید است. در قرآن، سوره برائت:

۱. «إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» که اشاره به اعلان برائت خدا و رسول طبق شأن نزول.

۲. برائت حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت به عمل عموی بت پرستان: «إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ...»

در کتب روایات معتبر شیعه بابی مخصوص است به نام: «الحب فی الله و البغض فی الله» که اهمیت اصل برائت را می رساند.

اصول کافی: امام صادق علیه السلام: (سوال پیامبر از اصحاب) کدام دستگیره برای ایمان محکم تر است؟ (هرکس یکی از فرایض را گفت) پیامبر فرمود: محکمترین دستگیره ی ایمان دوست داشتن در راه خدا و بغض نسبت به دشمنان خدا و محبت به اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خداست.

وسائل الشیعه: امام صادق علیه السلام: «هل الايمان الا الحُبّ و البُغض»

بنابراین چون ایمان معادل ایمان است باید ابراز شود. ابراز تبری :

در قلب ← مورد قبول همه و مورد اجماع

در گفتار ← محل بحث است که درچه قالبی باید تبری در گفتار اعلان شود.

در عمل ← در عمل کاری نکنیم که آب به آسیاب دشمن بریزیم.

یکی از قالب های بروز برائت گفتاری لعن است و لعن مستحب نیست بلکه واجب است به استناد آیات و روایات. از زیباترین قالب های اعلام تبری طبق آیات و روایات است:

- آیه ۵۷ سوره احزاب: لعن خداوند و سول نسبت به دشمنان دین
- آیه ۱۶۱ سوره بقره: علاوه بر خدا و سول ، ملائکه و مردم هم اضافه شدند.

در زیارت عاشورا که در صحت این زیارت اشکالی نیست در کنار هر درودی لعن بر دشمنان اهل بیت هم است مخصوصا سران فتنه که این انحراف در دین ایجاد کردند. در برخی روایات هم هست که خود اهل بیت اولی و دومی را لعن کردند. حتما باید با نام این دو نفر مورد لعن قرار گیرند چون نسل بعد از ما باید بدانند که این فتنه چطور اتفاق افتاده است . این نسل کی باید متوجه شود که عمر و ابوبکر چه کردند؟ چون

سران فتنه باید شناخته شوند برای نسل ما؛ اگر نشوند و نسل بعدی ما نسبت به عمر و ابوبکر هیچ بغضی را در دل نخواهند داشت بنابراین لعن باید علنی اتفاق بیفتد و این بتید شعار شیعه باشد.

جمع بندی سخنان خانم عبودیت توسط خانم سروی:

۱۵۷حزاب

۱۶۱ بقره ← لعن در تمام شاخه ها مخصوصا در گفتار باید با نام افراد صورت بگیرد.

زیارت عاشورا

خانم دکتر دیالمه (استاد ارئه کننده):

در حال حاضر دو دیدگاه در کل جهان اسلام مطرح است:

- تبری باید فدای وحدت شود اختلافات جزئی است و اصل نیست و در زمان اهل بیت هم جدی نبوده بنابراین وحدت باید به عنوان یک تاکتیک سیاسی بر تبری سرپوش بگذارد.
- برائت جزئی از فروع دین است و ایمان جزئی از این برائت است و اگر نباشد ایمان نقص پیدا می کند بنابراین وحدت یک تاکتیک سیاسی متاخر بوده است که جدیدا به وجود آمده است.

راهکار تشخیص دیدگاه صحیح نسبت به برائت :

۱. رجوع عمیق به قرآن

۲. رجوع به سیره ی عملی نه صرفا گفتار بلکه نحوه ی تعامل اهل بیت علیهم السلام هم مطرح است.

در نتیجه خط ظریف صراط مستقیم که بین این دو دیدگاه وجود دارد مشخص خواهد شد.

وحدت دارای اصول و مبانی در قرآن است که با کنار هم گذاشتن آن ها به یک تعریف ویژه ای از

تعامل و وحدت می رسیم:

۱. آیه ۶۴ سوره آل عمران «قل یل اهل الکتاب تعالو...»

اهل کتاب اصلا بر پایه ی اسلام نیست اصلا پیامبری پیامبر اکرم را قبول نداشتند و با مشرکین و کفار هم تفاوت دارند و منظور یهودیان و مسیحیان بوده است هرچند دین تحریف شده داشتند. تکلیف کفار و مشرکین با سوره ی کافرون مشخص شده است اما در آیه همه اهل کتاب را دعوت می کند تا روی نقاط مشترک بایستند. آن چه من می فهمم در این آیه تاکید روی نقاط مشترک مسلمین و یهود و مسیحیت است پس به طریق اولی مسلمانان از فرقه های گوناگون باید روی نقاط مشترک بایستند.

خانم عبودیت:

شما اولویت را قیاس کردید؟ انحرافی که این افراد در دین ایجاد کردند حتی آن ها را از مسیحیان و کفار هم در نظر ما بدتر کرده است. عمر و ابوبکر از کفار هم بدتر هستند. اگر ما بتوانیم با مسیحیان و یهودیان جمع شویم با اهل تسنن نمی توایم جمع شویم چون اسلام آن را نمی پذیریم چون معتقد به ولایت حضرت امیر علیه السلام نشدند بنابراین اسلام آن ها دچار خدشه است.

خانم دیالمه:

این سوال را پاسخ بدهید آیا هردو به نبوت پیامبر خاتم معتقدیم یا نه به قرآن معتقدیم یا نه؟ قبله ی ما یکی هست یا نه؟ کعبه برای ما مورد قبول هست یا نه؟

به عظمت انحراف بعدا می پردازیم حتی در جزئیات نبوت هم نه مانند عصمت و ... فعلا فقط همین اشتراک در نبوت و خاتمیت نبوت، اشتراک در قرآن و عدم تحریف آن، اشتراک در حرمت کعبه و قبله. اهل کتاب چه اعتقاد صحیحی داشتند؟ آن ها پیامبر را در حد خدا بالا برده بودند مانند آن چه در سوره ی مائده آمده است اما برای اصلاح انحراف اهل کتاب هم ابتدا باید روی نقاط مشترک ایستاد.

۲. آیه ۱۰۸ سوره انعام: «ولا تسبّ الذین...»

درباره ی بت پرستان که هیچ نقطه ی مشترکی با آن ها ندارید نباید به بت هایشان فحش دهید و سب کنید چون آن ها به چیزی که نشناختند واکنش منفی نشان می دهند و عمل شما را تکرار خواهند کرد بنابراین مومن اهل سب و دشنام نیست.

عقل حکم می کند کسی که منطق دارد سب و دشنام نمی دهد البته سب با لعن متفاوت است که به آن خواهیم پرداخت.

خانم عبودیت:

این آیه ربطی به وحدت ندارد بحث سر عدم دشنام به مقدسات کسانی است که با آن ها هیچ نقطه مشترکی نداریم.

خانم دیالمه:

۳.آیه ۱۲۵ سوره نحل: «ادع...»

خطاب عام آیه به تمام مسلمین به ویژه شیعیان باید با آن عمل کنند که دعوت به حق باید سه ویژگی داشته باشد:

الف) حکیمانه باشد: بدانیم چه بگوییم و چه نگوییم؟ برخی از حرف های منطقی و حق را اگر در غی جایگاه خود بزنیم بدون اثر مثبت خواهد بود.

ب) موعظه باشد: یعنی قلب مخاطب را نرم کنید.

ج) جدال احسن: دوری از فحش و استفاده از دلایل غیرمنطقی ، عدم استفاده از دروغ و عدم استفاده از هر ابزاری به هر قیمتی برای پیروزی در بحث.

سیره ی اهل بیت علیهم السلام برای روشن کردن این انحراف عظیم همین سه روش بوده است.

۴.آیه ۴۴ سوره طه:

در این آیه خداوند از پیامبرش می خواهد در مقابل فرعون با قول لَئِن صحبت کند اگر هدفش ایجاد

تذکر و خشیت است . همچنین در انتهای سوره ی فرقان آیه ۶۳ می فرماید: «إِذَا خَاطَبَهُمُ جَاهِلُونَ قَالُوا

سلاما» که اشاره به ضرورت گفتار نرم و تاثیرگذار بودن آن دارد حتی با اهل باطل.

زیرا درگفتگو اگر هدفتان کوبیدن طرف مقابل باشد یک طور بحث می کنید ولی اگر هدفتان هدایت

کردن طرف مقابل باشد یک طور دیگر بحث خواهید کرد.

۵.آیه ۱۰۴ سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا بَلْ قُولُوا أَنْظِرْنَا»

شأن نزول: وقتی پیامبر آیات را تبیین می کردند گاهی مردم جلو و عقب می افتادند و به پیامبر می گفتند مراعات ما را بکنید یهود برداشت دیگری می کرد یعنی ما را احمق کن بنابراین دشمنان اسلام برای وهن اسلام از معنای دیگر کلمه استفاده می کردند. خداوند می فرماید دستاویز به دست دشمن ندهید بلکه یک کلمه ی دیگر به جای آن استفاده کنید.

این ۵ آیه به ما می گویند قضیه به این راحتی نیست. در اصل براءت و تبری شک و مناقشه نیست بلکه اصول به نشان می دهند که حتی در زمان خود اهل بیت براءت متفاوت بوده است از روش های معمول امروز اعلان براءت.

خانم سروی:

بنابراین خانم دیالمه با توجه به این ۵ آیه لعن گفتاری و صراحت در لعن و نام بردن افراد را روش براءت غیر قرآنی می دانند. خانم عبودیت شما می پذیرید؟

خانم عبودیت:

استفاده از این آیات کاملاً درست است اما طراحی این براءت چگونه است که بتوان بغض قلبی را نسبت به دشمنان ابراز کرد؟ یعنی خیلی محترمانه از سران فتنه یاد کنیم و کلماتی مانند جناب آقای ... استفاده کنیم در نتیجه نسل ما چگونه نسبت به این افراد بغض پیدا خواهد کرد؟

خانم دیالمه:

جناب نگویند بگویند خلیفه ی اول، خلیفه ی دوم اشکالی دارد؟ این طراحی من نیست قرآن طراحی کرده است. لعن حرف زشت نیست یک نوع دعاست که بعد منفی و جنبه ی نفرین دارد؛ تنها زمانی می تواند با دشنام یکی بشود که با نام صریح شخص به کار برده شود و مقابل کسی باشد که آن فرد برایش مقدس باشد.

قرآن اصلاً نام نمی برد بلکه صفت را می گوید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ...».

زیارت عاشورا هم همین ویژگی را دارد: «اللَّهُمَّ الْعنِ أَوَّلِ ظالِمٍ ظلم ...»

در مکه کسی از من پرسید شما عمر و ابوبکر را لعن می کنید؟ گفتم: خیر و همین فراز زیارت را برایش خواندم و پرسیدم آیا ما مشرکیم؟ گفتن: نه.

در قرآن کریم همیشه صفت بیان می شود ممکن است مصداق صفت آن در دوران های مختلف متفاوت باشد.

اشکالی دارد در مجالس ما همین فراز زیارت عاشورا پنج بار تکرار شود؟

طراحی اعلان براءت همین است که مودبانه تاریخ را بیان کنیم چرا جلوی نقل احادیث پیامبر که بخشی از حقیقت قرآن بود گرفته شد؟ چرا عمر گفت: کتاب برای ما کافی است؟ این بحث علمی است اگر فیلمش هم پخش شد برای شیعه مشکلی پیش نخواهد آمد. اشکالی ندارد بچه های ما هم در این مجالس شرکت کنند تا بفهمند چه اتفاقی افتاده است. دنیای امروز به هم مربوط است این مکانی که امروز الآن هست به هم وصل است باید جلسات خانگی ما تبدیل به جلسات معرفی شود. وقتی جلسه جلسه ی معرفی نیست جلسه ی شعاری است جای بحث و استدلال نیست چه اشکالی دارد به شیوه ای که بیان شد لعن کنیم؟

در کتب احادیث ما باب تقیه و کتمان سر وجود دارد این سر چیست؟

خانم عبودیت:

در زمان اهل بیت شیعه حکومتی نداشت که ملزم به تقیه شد الآن که اکثریت هستیم و حکومت هم به دست ماست پس چه احتیاجی به تقیه داریم؟

خانم دیالمه:

همه ی شبکه های ماهواره ای در حال مخابره ی رفتار این حکومت به کل عالم هستند. حالا چون قدرت دست ماست باید شمشیر برداریم و سر همه را از دم بزنیم؟

اگر هدفمان نابودی غیر از خودمان باشد بله همین کار را باید کرد اما اگر هدفمان هدایت دیگران است این روش صحیح نیست. در حال حاضر مسائلی را به شیعه نسبت می دهند که کاملاً غیر واقعی است. طبق آمار سازمان حج و زیارت هشتاد درصد اهل تسنن دنیا معتقدند که شیعیان خان الامین را در سه تکبیر پایانی نماز می گویند! (یعنی جبرئیل امین خیانت کرد که بر پیامبر نازل شد! باید بر حضرت علی علیه السلام نازل می شد!)

ابن مسکان یکی از یاران امام صادق علیه السلام است می گوید «امام به من فرمودند: گمان کنم هرگاه کسی نزد تو بیاید و به حضرت علی علیه السلام ناسزا بگوید اگر بتوانی دماغش را به خاک می مالی. عرض کردم: بله خودم و خانواده ام اینچنین هستیم. امام فرمودند: این کار را نکن من اگر بودم گاهی بین و کسی که به خدا دشنام می دهد یک ستون فاصله بیشتر نیست پشت ستون پنهان می شوم پس از فراغت از کنارش عبور می کنم به سلام می کنم و به او دست می دهم.» بحار الانوار / ج ۷۲ / ص ۴۱۸

تمام ظرافت کار این است که درونت از برائت پر باشد اما بتوانی درست رفتار کنی تا دستاویز دست دشمن ندهی و راعنا را به انظرنا با یک معنا تبدیل کنی. این رفتار تعامل آمیز باعث شکسته شدن شبهات درباره ی شیعه ی جنایتکار می شود.

امام باقر عیه السلام: روز قیامت ظرف خون آلود به دست کسی می دهند و می گویند این سهم تو از خون فلانی است. تو از آن شخص روایتی این چنین نقل کردی و دهان به دهان نقل شد تا به گوش ظالم رسید و خون آن فرد را ریخت.

این اصلا به مفهوم عدم تدریس تاریخ و بحث جدی درباره ی عملکرد خلفا نیست بلکه ما باید جلساتی داشته باشیم که دقیق راجع به این مسائل صحبت شود چه خانگی چه دانشگاهی ما در عقیده مشکلی نداریم بحث ما بر سر رفتار است. اگر می خواهیم نام ببریم باید مودبانه ببریم این به معنای لقب دادن نیست. ما در دنیای امروز به این طراحی نیاز داریم سیاست نیست بلکه بصیرت و هشجاری است.

در جنگ صفین یاران امام علی علیه السلام یاران معاویه را دشنام می دادند حضرت فرمودند: من دوست ندارم شما اهل زیاد لعنت کردن و زیاد فحش دادن باشید ولیکن زشتی کار آنان را بگویید.

خانم سروی:

قرآن طبق اسلوبی که دارد صفت را می گوید و نام نمی برد. در عمل مدارا اما در عقیده عدم سستی و مداهنه. خانم عبودیت آیا شما کیفیت مدارا را می پذیرید؟

خانم عبودیت:

طبق این اسلوب اگر بخواهیم فقط زشتی کار را بگوییم ناخودآگاه خواهیم گفت: لعنت الله علیه!

خانم دیالمه:

در زمان امام صادق علیه السلام عده ای از شیعیان بودند که به تصریح گرا معروف بودند در مسجد می نشستند و از قول امام حرف می زدند و سب و لعن می کردند که امام این جماعت را قبول نداشتند و فرمودند: از ما نیست کسی که سر ما را کتمان نکند.

ما باید به سمت این فرهنگ سازی برویم. وضعیت امروز اینطور نیست که فعل شیعیان پسندیده باشد حتی در محافل علمی و حوزوی هم این مسائل هست. قول معصوم علیه السلام است که می فرمایند:

«خدا رحمت کند کسی را که کاری کند که غیر شیعیان ما را دوست بدارند.»

ما چقدر روی این روایت سرمایه گذاری کرده ایم؟ چرا این را از مصادیق برائت نمی دانیم؟ چرا کاری نمی کنیم که اهل تسنن هم اهل بیت را دوست بدارند؟

شیعه در حال حاضر به تروریست مشهور است چطور این تهمت را برطرف کنیم؟

خانم عبودیت:

کمتر در کار کشورهای دیگر دخالت کنیم.

خانم دیالمه:

سر اهل بیت چیست؟ این است که خلیفه وقت را امامان قبول نداشتند و آن ها را لعن می کردند.

خانم عبودیت:

به فرض این که اهل تسنن با ما خوب باشند چه اسلامی دارند؟ نمازشان باطل است ولایت ندارند و از نظر ما کافر هستند . چه فایده ای دارد که علیه ما نباشند؟

خانم دیالمه:

تعریف شیعه در دنیا تعریف غلطی است یعنی حقایق مکتب اهل بیت تحریف شده است. در اولین گام تکلیف ماست که به ایشان آگاهی بدهیم و تعریف صحیحی از شیعه بدهیم به نظر من نود درصد از این افراد شناختی از شیعه ندارند. حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُونَ»

در کتاب المراجعات سید شرف الدین گفتگوی مفتی الازهر با عالم شیعه است. چقدر مودبانه است و واقعا معرف شیعه است و کاملا جرأت می توان کرد این کتاب را به دست یک غیر شیعه داد اما نمی توان شب های پیشاور را اینطور بدهیم.

در پاسخ به سوال شما ، ما مکلف به معرفی مکتب اهل بیت هستیم با روش قرآن و اهل بیت و بنابر امور سیاسی و تاکتیکی نیست بلکه صداقت و تعامل داشتن با طرف مقابل برای هدایت طرف مقابل است. ما هم باید حوصله کنیم و حرف طرف مقابل را بشنویم.

خانم سروی:

با تشکر از اساتید محترم چون حجم سوالات زیاد است سوال و پاسخ را شروع کنیم.

یکی از حضار: تفاوت لعن و سب را بفرمایید؟

خانم عبودیت: شما لعن مقدسات را مساوی سب دانستید مصداق لعن چیست؟

خانم دیالمه: لعن صفت باشد طرف مقابل تحریک نمی شود. سب به معنی دشنام و فحش است نسبت به هرکسی که باعث تحریک احساسات طرف مقابل شود. روایات متعددی در نهی از لعن آمده است.

دوگونه لعن است: الف) اگر با اسم و نام در حضور دیگران باشد شبهه سب می شود.

ب) شرح صفت بد و زشتی که به صورت دعاست و جنبه ی نفرین دارد.

این در مسائل سیاسی هم دخیل است وقتی بگوییم خدا تمام خائنین به نظام اسلامی را کوتاه کند به هیچ گروهی بر نمی خورد اما اگر نام بردید حزب و جناح ها به جان هم نمی افتند. در نتیجه در فضای آرامش و دوستی اختلافات علمی بیان شود اما در فضای دشمنی حرف حق هم پذیرفته نمی شود.

روایت از معصوم: جدال را ترک کن حتی اگر برحق باشد.

ولی وقتی شما خط سیر قرآن و روایات را بروید غایت هدایت و باز کردن قلب مردم را دارد. امکانات رسانه ای امروز این فرصت را به ما می دهد که قلب دیگران را باز کنیم. یکی از ویژگی های معروف بهائیت در دنیا خوش اخلاقی آن هاست.

خانم عبودیت:

ما روایات معتبری درباره ی نهم ربیع داریم چون دشمن اهل بیت به درک واصل شده است اهل بیت این روز را جشن می گرفتند.

خانم دیالمه:

یونس بن رحمان از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند: به نام ما حدیثی را پذیرید مگر آن که با قرآن و سنت پیامبر سازگار باشد و یا از احادیث صحیحیه ی دشمن ما برای آن شاهدی بیاید و نقل حدیثی از ما حتی اگر سند داشته باشد باید محتوایش با قرآن سازگار باشد چون مغیده بن سعید (غالی) احادیثی را در کتب پدرم وارد کرد که پدرم هرگز سخنان چنین نگفته خدا را در نظر بگیرد.